

ایران

توصیه ضرغامی به فرخ‌نژاد

حکومت باید سینما را به رسمیت بشناسد و نسبت به هنرمندانی که پس از اتفاقات ۱۴۰۱ کشور را ترک کردند و پشیمان هستند، حساس باشد. می‌خواهم یک حرف خطرناک بزنم؛ اغتشاشات و ناآرامی‌های ۱۴۰۱ باعث شد بعضی از همکاری‌ها ما اشتباه کنند و برخی هم به خارج رفتند و پشیمان هستند.

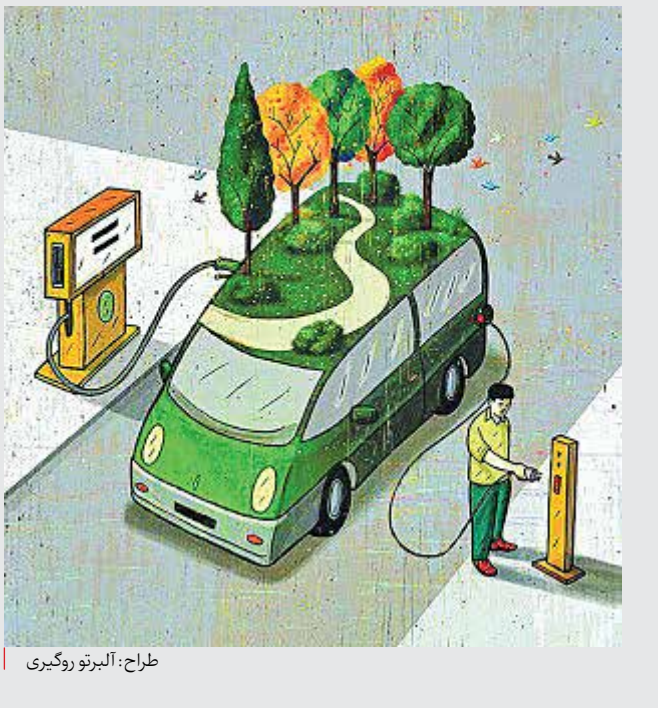
از همین جا می‌خواهم بگویم، آقای فرخ‌نژاد! شما که آنقدر کار خوب داشتید و اشتباه کردید و رفتید، بگویید اشتباه کردم تا ببینید حاکمیت درباره شما چه برخوردی خواهد داشت. حاکمیت باید نسبت به خانواده خود و ایرانی‌های خارج از ایران حساس باشد.

بخشی از صحبت‌های عزت‌الله ضرغامی در برنامه «هفت»



نگاره

تکنولوژی گاهی ترازوی طبیعت است



طراح: آلبرتو روگیری

یادداشت

ابراهیم عمران

روزنامه‌نگار

رها و رهاشدگی درام

حیف که فیلمنامه تقریباً رئال و بی‌نقص فیلم «رها» با بازی‌های نه چندان خوبش زیر سؤال می‌رود! پس اگر سریع و بی‌حرف اضافه از بازی‌ها عبور کنیم بهتر است! و به روح اصلی فیلم پیرنازیم به صواب و ثواب نزدیک‌تر. داستان نداری و بی‌پول شدن در جامعه فعلی ایران امر غیرقابل باوری نیست. حال اضافه شود این نداری با آزارهای دیگر-زندگی؛ که دیگر کارها سخت به سامان خواهد شد. داستان تک خطی‌ای که در بسیاری از خانواده‌های فعلی مابه‌ازاهای زیادی دارد. اینکه پدرخانواده شرمندۀ فرزندان و رزش می‌شود، امر غربی نیست و اینکه این پدر گاهی به بی‌عاری پهلومی می‌زند هم، برای قرار از وضعیتی که بدان دچار شده است، توجیه که نقشش راشهاب حسینی خیلی گل درشت و بد بازی می‌کند و این بد در آوردن نقش، سبب شده مخاطب همدأت پنداری مناسبی با او نداشته باشد؛ راننده متروپی است که دختری را زیر گرفته است. فردی که خودکشی کرده است. فضای تلخ فیلم یک گراندی دارد که از این حادثه نشأت می‌گیرد. خرابی روح و روان توحید نیز از این اتفاق است. خنزر پنز بازی‌اش که در خانه دارد؛ نمادی از روح ویران اوست. روح دست دوم و آسیب‌دیده‌اش پسان وسایل کهنه‌ای است که در حیاط خانه جمع کرده است. به هر وسیله‌ای دست می‌زند، بوی خرابی و کهنگی از آن بلند می‌شود. روح رنج دیده پدر خانواده به سبب زخم زبان‌های رزش آزرده خاطر است. تیک‌های عصبی اش نیز گویای این وضعیت خاص اوست. هر چند فیلم به درستی در جاهایی که می‌باید، اطلاعات بیشتری نمی‌دهد. بازی‌ها هم که چنگی به دل نمی‌زند. تا حدودی البته پسر فیلم که سهیل نام دارد در برخی سکانس‌ها از عهده آنچه قرار است مخاطب بفهمد، بد کار نمی‌کند. ناگفته‌پیداست این تلخی رئال فیلم نیاز به باورپذیری مخاطب دارد. آن اندازه‌ای که کارگردان دل‌داده و شاید اسیر نماها و دکوپاژ صحنه است؛ گاری به بازی گرفتن از بازیگران ندارد. شهاب حسینی که انگار در برخی پلان‌ها یاد بازی‌اش در جایی نادر از سیمین می‌افتد؛ از خاطرش می‌رود چه کاراکتری باید بازی کند! حتی پلانی که از حیاط خانه‌اش عبور می‌کند، بسیار نزدیک به سکانسی از آن فیلم است آنچه



فیلم را از جان می‌اندازد رها کردن قصه اصلی در پس زود تمام کردن آن است. انگار کارگردان خود نیز باور به برخی مسائل گفته شده در فیلم ندارد و سیاهی و تلخی فیلم را با پوست و جانش لمس نکرده است. خانه نم‌زده و قدیمی فیلم گویای شرایط زندگی این خانواده است؛ خانواده‌ای که انگار بزرگتری ندارد. فرزندان در حالی که دل‌بسته پدر هستند ولی گوش به فرمان او نیستند. مادری که بار زندگی بر دوش اوست؛ بود و نبودش توفیری ندارد. هر چند قرار نبود به ادعای ابتدای نوشته از بازی‌های فیلم نگوییم؛ ولی مگر می‌شود سکانس رفتن مادر در این فیلم را به خانه دختری که در کاماست، فراموش کنیم! نگاه شود که چقدر دم دستنی این مهم انجام شد. شاه کلید اصلی قصه که سبب‌ساز مرگ دختر شد با چند پلان بی‌جان هدر می‌رود. افسوس قصه‌ای که توان آن داشت سیاهی‌اش فقط در پرده سینما دیده نشود به راحتی دستخوش نگاه تکنیکال فیلم می‌شود. به عنوان کار اول، حسام فرهنگند در کارگردانی نمره قبولی می‌گیرد. ولی به حتم این آگاهی را دارد که سینما فقط این نگاه نیست؛ قصه است و پرداخت درست آن. گویا قرار ی بود بین کارگردان و بازیگرانش که سکانس‌هایی بازی کنند و بروند! بی‌آنکه پس و پیش آن مشخص باشد! یا پیش زمینه‌ای از کاراکترهایش بدهد؛ در ذهن کارگردان نبود! هر چه خواست در کلام بازیگرانش گذاشت! از شکست عشقی دختر (دیالوگ سکانس آغازین) که می‌توانست خود خرده بپزند مناسبی باشد که رها می‌شود! از دست دادن پسر که رها دوست می‌داشت و دوستش مینا او را قاپد! از اینکه همه مسائل رها را برادرش می‌دانست و در چند پلان برای خانواده عیان کرد و فروختن موی سر که این نیز خود داستان مجزایی می‌توانست باشد! رها بیشتر از همه از ره‌اشدگی پیرنگ و خرده پیرنگ‌هایش ضربه خورد؛ فیلمی که تلخی‌اش در یادها نمی‌ماند....

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

همکاری همایون غنی‌زاده و سجاد افشاریان پس از ۷ سال

همایون غنی‌زاده، کارگردان تئاتر و سینما که سال ۱۳۹۷ نمایش «می‌سی‌سی‌بی نشسته می‌میرد» را با بازی سجاد افشاریان اجرا کرده بود، پس از گذشت ۷ سال نمایش «دالوس و ایکاروس» را به تهیه‌کنندگی افشاریان در پردیس تئاتر و موسیقی باغ کتاب تهران به صحنه می‌برد. «دالوس و ایکاروس» به احتمال زیاد در پردیس باغ کتاب تهران روزانه در ۵ سانس توسط بازیگران کارگاه تئاتر که زیر نظر همایون غنی‌زاده، آموزش دیده‌اند، روی صحنه می‌رود. **ایسنا**



برگزاری جشنواره تئاتر با دبیری محمد رحمانیان

سومین جشنواره تئاتر «صورتخانه» به دبیری محمد رحمانیان شهریور ۱۴۰۴ در تهران برگزار می‌شود. این رویداد هنری، به کوشش آموزشگاه سینمایی فرهنگ‌آوا از ۱۷ شهرویر آغاز می‌شود و اختتامیه آن ۲۱ شهریور با معرفی برگزیدگان برپا خواهد شد. ارتقای سطح کیفی هنر نمایش در میان گروه‌های تئاتری و شناسایی و معرفی استعدادهای جدید کارگردانی از اهداف برگزاری این جشنواره است. **ایرنا**



اکران فیلم پرویز شهبازی بدون سانسور

فیلم سینمایی «رکسانا» آخرین ساخته پرویز شهبازی بدون اصلاحات، پروانه نمایش گرفت. این فیلم قرار بود آبان‌ماه سال گذشته در سینماها نمایش داده شود ولی سازندگان فیلم به دلیل آنچه میمیزی‌های تأثیرگذار بر فیلم می‌دانستند، از اکران آن انصراف دادند. «رکسانا» در جشنواره توکیو نامزد بهترین فیلم شد و یسنا میرطهماسب هم جایزه بهترین بازیگر‌مرد را دریافت کرد. نام این فیلم به عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی معرفی به اسکار مطرح بود اما در نهایت فیلم دیگری انتخاب شد. **ایسنا**



پیشخوان فرهنگی

رازهای قدرت زنان درخانواده

زنان نیمی از افراد جامعه هستند. زنان بخش مهمی از خانواده محسوب می‌شوند. زنان نقش مادری را که بسیار مهم و تأثیرگذار روی شخصیت فرزندان و آینده آنان دارد، ایفا می‌کنند. زنان، امروزه در عرصه‌های مختلف علمی، تخصصی مانند پزشکی، فنی و غیره در رشته‌های مختلف هنری کلاً در تمامی رشته‌ها، موفقیت‌های بسیاری را کسب کرده‌اند که دوشادوش مردان در تمام این رشته‌ها مشغول به فعالیت هستند. ازاین رو، زنان در تمام جوامع از جمله در جامعه ما مهم و تأثیرگذار در روند حرکت جامعه به سوی پیشرفت و موفقیت بوده و هستند و خواهند بود. مؤثرترین و ساده‌ترین راه پیشرفت و موفقیت و قدرت زنان، در گرو استفاده از فضاهای فرهنگی، جهت ارتقای سرمایه فرهنگی و سرمایه روانی و نهایتاً بهبود سبک زندگی است. اگر علاقه‌مند هستید درباره قدرت زنان بیشتر بدانید کتاب قدرت زنان درخانواده را بخوانید این کتاب با نگاهی پدیدارشناسختی به دنیای تعدادی از زنان به قلم دکترمرتضی منادی دانشیار روانشناسی تربیتی توسط انتشارات اندیشه احسان وارد بازار کتاب شده است.



«مستندهای غربت» در خانه هنرمندان

سهراب شهیدثالث، از مطرح‌ترین کارگردانان ایرانی آغازگر موج نوی سینمای ایران که ریتیم فیلم‌هایش اغلب کسده و شبیه به زندگی واقعی است، در سلسله برنامه هفتگی «مستندهای غربت» در سینماتک خانه هنرمندان ایران چهار مستند از «سهراب شهید ثالث» روی پرده می‌رود که برخی از آنها تاکنون دیده نشده‌اند. در این برنامه به ترتیب مستندهای تعطیلات طولانی لوته‌آیزنر (۱۹۷۹)، خوف، یک زندگی (۱۹۸۱)، آلیا...؟! (۱۳۵۰) و نامه‌ای از کابل (۱۹۸۷) روی پرده می‌رود. سه مستند خارجی زبان با زیرنویس فارسی و بهترین کیفیت بخش می‌شود و ورود برای عموم با رزرو قبلی در سایت تیسوال رایگان است. برنامه هفتگی «مستندهای غربت» از ساعت ۱۸ سه‌شنبه ۹ اردیبهشت در سالن ناصری خانه هنرمندان ایران آغاز خواهد شد و تا سه‌شنبه ۳۰ اردیبهشت ادامه خواهد داشت.



«به یاد پدر» شنیدنی شد

به تازگی آلبوم موسیقی وارد بازار شده که دست‌اندرکاران آن طبق وصیتنامه پدرشان آن را در مراسم ترحیمش بخش کردند. آلبوم موسیقی «به یاد پدر» با هنرمندی پژمان طاهری در ژانر موسیقی ایرانی و در قالب سه قطعه موسیقایی مجزا پیش روی مخاطبان قرار گرفت. آلبوم موسیقی «به یاد پدر» به آهنگسازی و نوازندگی پژمان طاهری و کلام محمد شمس لنگرودی و عزیزالله کاشانیان در ژانر موسیقی ایرانی و در قالب سه قطعه موسیقایی مجزا پیش روی مخاطبان قرار گرفت.



«صریر بازگشت» در سعدآباد

اگر اهل گالری گردی هستید و می‌خواهید یک نمایشگاه قوی در حوزه خوشنویسی از هنرمندان بنام این حوزه را ببینید، پیشنهاد می‌کنیم سری به موزه خط و کتاب میرعماد بزنید. نمایشگاه خوشنویسی «صریر بازگشت» با عنوان «نهضت بازگشت نستعلیق با گرایش مکتب صفوی» در مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد «موزه خط و کتابت میرعماد» افتتاح شد. در این نمایشگاه که در مجموعه فرهنگی تاریخی سعدآباد «موزه خط و کتابت میرعماد» برپا می‌شود، ۳۶ اثر از ۳۵ نفر از خوشنویسان معاصر کشورمان که به سبک خط نستعلیق با گرایش مکتب صفوی کار کرده‌اند در معرض دید علاقه‌مندان قرار گرفت. این نمایشگاه تا ۱۹ اردیبهشت‌ماه از ساعت۹ تا ۱۷ بعدازظهر در موزه خط و کتابت میرعماد دایر است.



به بهانه خدا حافظی علی نصیریان از بازیگری

یادداشت



رضا صائمی

دبیر گروه فرهنگی

خداحافظی استاد علی نصیریان، گرچه یک رخداد طبیعی در فرآیند کاری یک بازیگر است، بویژه بازیگری که حالا نود سال را هم رد کرده و توان بدنی برای تداوم حرفه‌ای ندارد اما انگار این خداحافظی از سینما و عرصه بازیگری، به وداع یک ملت با خاطرات خوش جمع می‌ماند که شکلی از یک سوگ سینمایی را رقم می‌زند. «علی نصیریان» تنها نام یک هنرمند نیست، نام یک منزلت در هنر این سرزمین است که به اعتبارش می‌توان از شکوه هنر حرف زد و شوکت و شرافت آن را به تماشا نشست. او فقط بزرگ‌آقای سریال شهزاد نبود، بلکه بزرگ سینمای ایران بود و هست که همواره در حافظه یک ملت باقی می‌ماند. نوشتن درباره علی نصیریان هم سخت است، هم شیرین. بازیگری با کوله‌باری از تجربه و نقش آفرینی ماندگار که اخلاق و منشش هم به غیر از تخصص کاری‌اش همیشه در میان دوستان و همکارانش رزبانز بوده است. سال ۹۷ به بهانه دریافت سیمرغ بهترین بازیگر نقش مکمل مرد برای گفت‌وگو به منزلش رفته بودم. در بخشی از این گفت‌وگو درباره دنیای بازیگری و نسبت

یادداشت



حسین نوروزی

گرافیکست

خوشنویسی ایرانی، این جواهر درخشان فرهنگ اسلامی-ایرانی، از دیرباز محملی برای تجلی ذوق، ایمان و خرد ملت ایران بوده است. خط، نه تنها وسیله‌ای برای ثبت کلمات، بلکه هنری والا برای بیان روح و اندیشه انسان شرقی به شمار می‌آید. در میان ادوار گوناگون تاریخ، عصر صفوی چون نگینی تابناک بر تارک هنر خوشنویسی می‌درخشد. توجه و حمایت دربار صفوی از هنرهای اسلامی، سبب تربیت نسلی از خوشنویسان شد که هر یک به سستونی استوار در بنای این هنر بدیل تاریخ بودند. استادانی چون میرعماد حسنی، علیرضا عباسی، با نبوغ خویش خطوط نستعلیق و شکسته را به اوج رساندند و با آفرینش آثاری ماندگار، فصل درخشانی در تاریخ هنر ایران گشودند. در امتداد این مسیر پرافتخار، نمایشگاه فاخر «صریر بازگشت»، به نمایشگاه‌گردانی هنرمند ارجمند جناب آقای امیرعباس نصیری یزدی، روز جمعه در مجموعه تاریخی سعدآباد تهران گشایش یافت.

آن با دنیای شخصی استاد هم گپ زدیم. به باور استاد، بازیگری هم هنر است، هم تجربه. حالا که او از عرصه بازیگری خداحافظی کرده، یاد سؤالی افتادم که در این دیدار از او پرسیدم. اینکه آیا شده که از بازیگری پشیمان شده و آرزو کرده باشید که ای کاش عمر خود را در حرفه دیگری طی می‌کردید؟ که استاد پاسخ داد: «هیچ‌وقت پشیمان نبودم، اما خیلی سختی کشیدم، بالا و پایین‌های زیادی در زندگی داشتم، در حوزه اقتصادی و معیشت هم این فراز و نشیب‌ها بود، اما هیچ‌کدام از این سختی‌ها هیچ‌وقت پشیمانم نکرد و همیشه با عشق کارم را ادامه دادم.» این البته یک آرزو یا ادعا نبود، کارنامه او گواه بر بازیگر عاشقی است که پای عشقش تا آخرین لحظه ایستاد و تا آنجا که توان داشت بر سر عهد خویش با علاقه‌اش باقی ماند. شاید از ماندگاری او همین باشد که هنر بیش از هر حرفه دیگری با عشق گره خورده است. او بازیگری بود که حضورش به اثر اعتبار می‌بخشید و شاید گرافیک نباشد که او را «بازیگرمؤلف» بدانیم. برخی نیز معتقدند این بازیگران بزرگ هستند که با تکیه بر توانمندی و هوش و تجربه خود به یک نقش و در نهایت به فیلم یک کارگردان اعتبار می‌بخشدن به‌طوری که یکتا نه بار درام را بر دوش کشیده و با حضور قدرتمند خود بسیاری از خلاها و ضعف‌های اثر را جبران می‌کنند. جبران جای خالی چنین بازیگرانی راحت نیست. گرچه سینمای

«علی نصیریان» تنها نام یک هنرمند نیست، نام یک منزلت در هنر این سرزمین است که به اعتبارش می‌توان از شکوه هنر حرف زد و شوکت و شرافت آن را به تماشا نشست. او فقط بزرگ‌آقای سریال شهزاد نبود، بلکه بزرگ سینمای ایران بود و هست که همواره در حافظه یک ملت باقی می‌ماند.

صریر بازگشت؛ آوای جاودانه خوشنویسی در مجموعه سعدآباد

این رویداد هنری که در فضایی سرشار از هنر و فرهنگ برپا شد، با ارائه آثاری کم‌نظیر از خوشنویسی سنتی و معاصر، جلوه‌ای نو از پیوند ریشه و بالندگی را به نمایش گذاشت. حضور تنها وسیله‌ای برای ثبت کلمات، بلکه هنری والا برای بیان روح و اندیشه انسان شرقی به شمار می‌آید. در میان ادوار گوناگون تاریخ، عصر صفوی چون نگینی تابناک بر تارک هنر خوشنویسی می‌درخشد. توجه و حمایت دربار صفوی از هنرهای اسلامی، سبب تربیت نسلی از خوشنویسان شد که هر یک به سستونی استوار در بنای این هنر بدیل تاریخ بودند. استادانی چون میرعماد حسنی، علیرضا عباسی، با نبوغ خویش خطوط نستعلیق و شکسته را به اوج رساندند و با آفرینش آثاری ماندگار، فصل درخشانی در تاریخ هنر ایران گشودند. در امتداد این مسیر پرافتخار، نمایشگاه فاخر «صریر بازگشت»، به نمایشگاه‌گردانی هنرمند ارجمند جناب آقای امیرعباس نصیری یزدی، روز جمعه در مجموعه تاریخی سعدآباد تهران گشایش یافت.



«ایران» رادر صفحه‌های مجازی دنبال کنید